

يك تاجر آمريكايي نژديك يك روستاي مكزيكي ايستاده بود كه يك قايق كوچك ماهيگيري از بغلش رد شد كه چند تا ماهي در آن بود!

از مكزيكي پرسيد: چقدر طول كشيد كه اين چند تا ماهي را بگيري؟
مكزيكي: مدت خيلي كمی!

آمريكايي: پس چرا بيشتر صبر نكردي تا بيشتر ماهي بگيري؟

مكزيكي: چون همين تعداد هم براي سير كردن خانوادهام كافي است!
آمريكايي: اما بقيه وقت را چكار مي كني؟

مكزيكي: تا ديروقت مي خوابم! يك كم ماهيگيري مي كنم! با بچه هام بازی مي كنم! با زنم خوش مي گذرانم! بعد با دوستانم شروع مي كنيم به گيتار زدن و خوش گذراني! خلاصه مشغولم با اين نوع زندگي!

آمريكايي: من توي هاروارد درس خواندم و مي توانم كمكت كنم! تو بايد بيشتر ماهيگيري بكني!
آن وقت مي تواني با پولش يك قايق بزرگتر بخری! و با درآمد آن چند تا قايق ديگه هم بعدا اضافه مي كني! آن وقت يك عالمه قايق براي ماهيگيري داری!

مكزيكي: خوب! بعدش چي؟

آمريكايي: بجای اينكه ماهي ها را به واسطه بفروشي آنها را مستقيما به مشتريها مي دهی و برای خودت كار و بار درست مي كني...

بعدش كارخانه راه مي ندازی و به توليداتش نظارت مي كني...

اين دهكده كوچك را هم ترك مي كني و ميري مكزيكو سيتي! بعدش لوس آنجلس! و از آنجا هم نيويورك... آنجاست كه دست به كارهاي مهمتر هم ميزني...

مكزيكي: اما آقا! اين كار چقدر طول ميكشد؟

آمريكايي: پانزده تا بيست سال!

مكزيكي: اما بعدش چي آقا؟

آمريكايي: موقع مناسب مي روي و سهام شركتت را به قيمت خيلي بالا مي فروشي! اين كار مليون ها دلار براي عايدی دارد!

مكزيكي: مليونها دلار؟؟؟ خوب بعدش چي؟

آمريكايي: آن وقت بازنشسته مي شوي! مي روي به يك دهكده ساحلي كوچك! جايي كه مي تواني تا دير وقت بخوابی! يك كم ماهيگيري كني! با بچه هات بازی كني! با زنت خوش باشی! بري دهكده و تا دير وقت با دوستانت گيتار بزنی و خوش بگذرانی!!!